



نام: رضا پناهی تولد: ۱۳۴۹ محل تولد: کرج - در خانواده‌ای مذهبی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱ در ۱۲ سالگی

شهید رضا پناهی سال ۱۳۴۹ بود که در کرج به دنیا آمد.

در خانواده‌ای مذهبی؛ اما بیشتر از ۱۲ سال نتوانست سنگینی تن کوچکش را بر روح بزرگش تحمل کند و به اصرار، پدر و مادر خود را راضی کرد تا سرانجام در دوازدهمین سال زندگی‌اش ابدی شود. وصیت نامه‌اش را قبل از اعزام مخفیانه در نواری ضبط کرد و در گوشه‌ای پنهان؛ که بعد از شهادتش به دست خانواده‌اش رسید.

یک بار، بلکه چند بار باید این وصیت نامه‌ها را بخوانیم تا بفهمیم که چطور جبهه برای بعضی دانشگاهی بود که حتی بدون گذراندن تحصیلات مقدماتی، از آن فارغ التحصیل شدند و مدرک خود را از ابا عبدالله علیه السلام گرفتند. و به راستی چه تفاوتی بین نوجوانان آن زمان و نوجوانان این عصر وجود دارد؟!!

وصیت نامه شهید ۱۲ ساله رضا پناهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي وَمَنْ عَرَفَنِي عَرَفَنِي وَمَنْ عَشَقَنِي عَشَقَنِي وَمَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ وَمَنْ قَتَلْتُهُ قَتَلْتُهُ فَعَلَى دِيْتِهِ وَمَنْ عَلَى دِيْتِهِ وَأَنَا دِيْتُهُ؛

هر کس من را طلب می‌کند می‌یابد مرا، و کسی که مرا یافت، می‌شناسد مرا، و کسی که من را دوست داشت، عاشق من می‌شود و کسی که عاشق من می‌شود، من عاشق او می‌شوم و کسی که من عاشق او بشوم، او را می‌کشم و کسی که من او را بکشم، خون‌بهایش بر من واجب است، پس خون‌بهای او من هستم.

هدف من از رفتن به جبهه این است که:

اولاً به ندای «هل من ناصر ینصرنی» لبیک گفته باشم و امام عزیز و اسلام را یاری کنم و آن وظیفه‌ای را که امام عزیزمان بارها در پیام‌ها تکرار کرده، که هر کس که قدرت دارد واجب است که به جبهه برود، و من می‌روم که تا به پیام امام لبیک گفته باشم. آرزوی من پیروزی اسلام و ترویج آن در تمام جهان است و امیدوارم که روزی به یاری رزمندگان، تمام ملت‌های زیر سلطه آزاد شوند و صدام بدانند که اگر هزاران هزار کشور به او کمک کنند او نمی‌تواند در مقابل نیروی اسلام مقاومت کند. من به جبهه می‌روم و امید آن دارم که پدر و مادرم ناراحت نباشند، حتی اگر شهید شدم، چون من هدف خود را و راه خود را تعیین کرده‌ام و امیدوارم که پیروز هم بشوم.

پدر و مادر مهربان من! از زحمات چندین ساله شما متشکرم.

من عاشق خدا و امام زمان گشته‌ام و این عشق هرگز با هیچ مانعی از قلب من بیرون نمی‌رود، تا اینکه به معشوق خود یعنی «الله» برسیم؛ و به حق که ما می‌رویم که این حسین زمان و خمینی بت‌شکن را یاری کنیم و به حق که خداوند به کسانی که در راه او پیکار می‌کنند، پاداش عظیم می‌بخشد. من برای خدا از مادیات گذشتم و به معنویات فکر کردم، از مال و اموال و پدر و مادر و برادر و خواهر چشم پوشیدم، فقط برای هدفم یعنی الله.